

قسمت

دونالد ویلبر، ترجمه: محمدعلی معتضدیان

روایت کودتای ۲۸ مرداد براساس اسناد سازمان سیا

سوخات نیکوزیا

همچنانکه از اسم طرح کودتا معلوم بود، قرار بر این گذاشته شده بود تا مصدق از اکسی پیر برای نمایشنامه حکومت جوان پهلوی باشد. طرح کودتای از اکس که در ۲۸ مرداد سال ۱۳۲۰ در تهران اجرا شد و به سرنگونی دولت ملی مصدق انجامید سالهای زیاد دیگری، همچنان یکی از مهمترین رویدادهای مداخله گرانه در تاریخ ایران و جهان باقی خواهد ماند. اعلام و پذیرش امریکا در مورد طراحی و اجرای این کودتا در ایران و عذرخواهی مقامات بلند پایه امریکا از مردم ایران در سالهای اخیر، علاقه و توجه نویسندگان و مطالعه کنندگان تاریخ معاصر ایران را مضاعف نمود و آثار تازه‌ای در مورد دولت کودتاگر ارتشبد زاهدی انتشار یافت. همچنین اسناد تازه‌ای در مورد کودتای ۲۸ مرداد از سوی برخی مقامات اسبق سازمانهای جاسوسی امریکا و انگلیس در شکل مقاله و کتاب منتشر گردید. از جمله اینگونه مطالب خواندنی که پیش رو دارید گزارش دکتر دونالد ویلبر مشاور مخفی بخش آفریقا و خاور نزدیک سازمان سیا از چگونگی طراحی و اجرای این کودتاست که بخش نخست آنرا در این شماره تقدیمتان نموده‌ایم؛ امید است که مورد توجه‌تان واقع شود.

مقدمه

نمایندگان اینتلجنت سرویس و نمایندگان بخش آفریقا و خاور نزدیک سازمان سیا یکدیگر را در طول نوامبر و دسامبر سال ۱۹۵۲ میلادی در واشنگتن ملاقات نمودند تا در مورد برنامه‌های جنگ و پشتیبانیهای پشت صحنه مربوط به اوضاع ایران به بحث و تبادل نظر بپردازند. در مذاکرات فوق آقای کریستوفر مونتگومری و دهاوس که ریاست پایگاه اینتلجنت سرویس در تهران را برعهده داشت هیات بریتانیایی را همراهی می‌کرد. همچنین، آقای ساموئل فالی از سوی پایگاه اینتلجنت سرویس مستقر در ایران و آقای جان بروس لاکهارت نماینده اینتلجنت سرویس در واشنگتن در این ملاقاتها حضور داشتند. از سوی NEA (بخش آفریقا و خاور نزدیک سازمان سیا) نیز آقای کریمیت روزولت رئیس بخش، جان اچ لی، ویت رئیس شاخه ایران، جان دبلیو پندلتون معاون بخش و جیمز ای. دارلینگ رئیس اداره شبه نظامی NEA شرکت می‌کردند. اگرچه در جلسات قبلی، موضوع استفاده از فعالیت‌های سیاسی جهت براندازی مصدق مطرح نشده بود ولی نماینده اینتلجنت سرویس، این مطلب را مطرح نمود. از سوی دیگر NEA به هیچ وجه تمایلی به بحث در این مورد نداشت و برای انجام چنین عملیاتی نیز آماده نبود. با این وجود جلسه مذکور بدون اتخاذ تصمیم مشخصی پایان یافت و قرار شد NEA صرفاً به بررسی جزئیات پیشنهادی اینتلجنت سرویس بپردازد. در ماه مارس سال ۱۹۵۳، م. تلگرافی ارسالی از سوی پایگاه تهران دریافت شد؛ مبنی بر اینکه ژنرال (X) با وابسته نظامی سفات امریکا تماس گرفته و از سفیر پرسیده است آیا ایالات متحده تمایلی به حمایت و پشتیبانی از عملیات نظامی ایرانیان برای سرنگونی مصدق - نخست وزیر ایران -

دارد یا خیر؟ از این رو جلسه‌ای با حضور کارکنان مرکزی و سپس کارکنان پایگاه در سفارتخانه تشکیل شد. پاسخی که حکایت از احتیاط داشت تهیه و به ژنرال (X) ارسال گردید. در این پاسخ، ایالات متحده هیچگونه تعهدی در این راستا نداد ولی به گونه‌ای ملایم ضمن تشویق ژنرال (X) برخی تمایلاتش را در خصوص ایده مذکور بیان کرد. از طرف دیگر ژنرال والتر اسمیت معاون وزارت خارجه، براساس نشانه‌هایی که حاکی از بروز مخالفت علیه مصدق بود و نیز نگرش مخرب و بی ملاحظه دولت مصدق، اظهار داشت که ایالات متحده نمی‌تواند حکومت مصدق را حمایت کند و ترجیح می‌دهد دولتی جانشین که اعضاء جبهه ملی در آن حضور نداشته باشند، در ایران قدرت را به دست گیرد. این تغییر در سیاست خارجی به اطلاع سازمان سیا رسید و به NEA نیز گفته شد که مجاز است به دنبال عملیاتی باشد که به سقوط دولت مصدق کمک می‌نماید. وزارت امور خارجه و سیا مشترکاً سیاست جدید را به اطلاع هندرسون سفیر امریکا در تهران و همچنین راجر گویران رئیس پایگاه جاسوسی سیا در تهران رساندند و در پیام خود به مجوز دولت ایالات متحده جهت عملیات براندازی اشاره کردند.

رئیس بخش ایران در سازمان سیا به پایگاه تهران اجازه داد مبلغ یک میلیون دلار بودجه تصویبی را در هر راهی که منجر به سقوط دولت مصدق شود به کار گیرد. علاوه بر این اختیارات گسترده‌ای نیز به هندرسون سفیر امریکا و رئیس پایگاه جاسوسی سیا داده شد تا بدین وسیله امکان استفاده از یک میلیون دلار تصویبی را بدون کسب مجوز داشته باشند. در آوریل سال ۱۹۵۳م. مطالعات جامعی در این مورد به عمل آمد که به عنوان «عوامل دخیل در سرنگون سازی مصدق» نام گرفت. در این بررسی ذکر شده بود که ترکیبی متشکل از شاه و ارتشبد زاهدی و نیز حمایت مالی و عوامل محلی سیا، فرصت خوبی برای سرنگونی مصدق فراهم خواهند آورد. علاوه بر این، عواملی نظیر شورش‌های خیابانی و سرپیچی نظامیان تهران از دستورات مصدق می‌تواند تقویت کننده ترکیب دوگانه مذکور باشد. در ادامه این روند، تماس دیگری با ارتشبد زاهدی به عمل آمد. اگرچه انگیزه‌های او جدی بودند ولی خیلی زود روشن شد که زاهدی اساساً فاقد برنامه محکم و کاملی بوده و در موقعیتی قرار ندارد که بتواند اقدامی علیه مصدق انجام دهد. با این وجود ارتشبد زاهدی که زمانی عضو کابینه مصدق بوده، تنها عاملی به شمار می‌رفت که می‌توانست مخالفت قابل توجه و موثری در برابر مصدق به عمل آورد. به همین دلیل زاهدی مشخصاً و به شدت پیگیر موضوع بود. در آوریل سال ۱۹۵۳م. پایگاه تهران تماس مجدد خود با زاهدی را از طریق وابسته نیروی دریایی امریکا (آریک پولارد) برقرار کرد. برای اینکه ارتباط و تماس با زاهدی راحت‌تر و کارآمدتر شود و همچنین به دلیل مسائل امنیتی، قرار شد تماس با زاهدی از طریق پسرش [اردشیر] صورت پذیرد. ولی پس از ۲۱ جولای سال ۱۹۵۳م. تماس با ارتشبد زاهدی به صورت مستقیم و بدون واسطه انجام می‌گرفت. در اقدامی دیگر، دکتر دونالد ان. ویلبر مشاور مخفی NEA در پایان آوریل ۱۹۵۳م. از سوی بخش ایران انتخاب گردید تا به نیکوزیا رفته و با

همکاری نزدیک اینتلیجنت سرویس به برنامه‌ریزی جهت سرنگونی دولت مصدق بپردازد. ستاد فرماندهی تصور می‌کرد که دستاورد برنامه ریزان در نیکوزیا، طرحی خواهد بود که آنها می‌توانند با تدبیر و بصیرت، اجرای آنرا توصیه کنند. مذاکرات نیکوزیا از ۱۳ می سال ۱۹۵۳ بین ویلبر و افسر اینتلیجنت سرویس نورمن ماتیو داربی شایر آغاز گردید. گاهی اوقات آقای اج. جان کولینز رئیس پایگاه اینتلیجنت سرویس در نیکوزیا نیز در مذاکرات شرکت می‌جست. داربی شایر که مسول بخش ایران در اینتلیجنت سرویس به شمار می‌آمد، چندین سال در ایران به سر برده و زبان فارسی را به خوبی صحبت می‌کرد. سرانجام نتایج مذاکرات در ۳۰ می سال ۱۹۵۳ م. مشخص گردید. طرح نهایی عملیات نیز توسط دکتر ویلبر در اول ژوئن به مرکز فرماندهی مخابره شد. با این وجود طی جلسه عمومی که در فرماندهی بر سر طرح فوق تشکیل شد، بر بازنگری و بررسی مجدد تمام شخصیت‌های مهم صحنه سیاسی ایران تاکید گردید. همچنین آنها می‌خواستند بدانند که آیا تنها ارتشبد زاهدی به عنوان مخالف مصدق، چهره با ارزش جهت حمایت و سرمایه‌گذاری به شمار می‌آید و در این صورت چه اشخاص و عناصری می‌بایست در فهرست پشتیبانی از او قرار گیرند؟

خیلی زود روشن شد که دکتر ویلبر و آقای داربی شایر نقطه نظرات مشابهی در مورد سران و شخصیت‌های ایران و ارزیابی‌های بسیار نزدیکی از عوامل دخیل در صحنه سیاسی این کشور دارند. در طول مذاکرات اثری از اختلافات قابل توجه و برخورد وجود نداشت. همچنین معلوم شد که SIS کاملاً موافق با دستورپذیری از سازمان سیا است. برای ویلبر قطعی بود که بریتانیا از مشارکت همه جانبه سیا استقبال نموده و تصمیم گرفته بود از هر کاری که موجب خدشه و صدمه به مشارکت ایالات متحده شود، خودداری ورزد. البته علایم ضعیفی مبنی بر حسادت بریتانیا در مورد برتری سازمان سیا در منابع مالی، پرسنل و تسهیلات نسبت به SIS وجود داشت. ویلبر در گزارش خود خواستار برپا شدن کانال گفتگویی سه جانبه بین واشنگتن، نیکوزیا و تهران بود تا ارتباط بین آنها به سهولت تامین گردد. براین مبناء هر پیامی از سوی طرفین می‌بایست از طریق سریعترین وسیله ممکن برای دو طرف دیگر ارسال شود. این مسیر از طریق خط اتصال ارتباطات خاورمیانه که در واقع ایستگاه تقویتی مستقر در چند مابلی نیکوزیا بود، میسر می‌گردید. درحالی‌که ۴۵ کابل ارتباطی مسیر فوق تعویض شده بود ولی با این وجود متأسفانه ارتباطات بین نیکوزیا و تهران آنگونه که انتظار می‌رفت سریع نبود. در مذاکرات نیکوزیا قرار شد هر دو طرف به معرفی عوامل خود بپردازند و اینتلیجنت سرویس از طرق برادران رشیدی بر موضوعاتی نظیر نیروهای نظامی، مجلس، رهبران مذهبی، مطبوعات، اوباش خیابانی، سیاستمداران و دیگر چهره‌های با نفوذ متمرکز شده و اطلاعاتی بدست آورد. وقتی این دستورالعمل از نیکوزیا به پایگاه تهران مخابره شد، مسولان پایگاه تهران پنداشتند که به برادران رشیدی و نیز عوامل اینتلیجنت سرویس بیش از حد بها داده شده است و این عقیده را به اطلاع مرکز فرماندهی نیکوزیا نیز





مصداق در ایام نهمید



آرایش گران خیابانی در کودتای ۲۸ مرداد

رئیس بخش ایران در سازمان سیا به پایگاه تهران اجازه داد مبلغ یک میلیون دلار بودجه تصویبی را درهر راهی که منجر به سقوط دولت مصدق شود به کار گیرد. علاوه بر این اختیارات گسترده‌ای نیز به هندرسون سفیر امریکا در ایران داده شد تا بدین وسیله امکان استفاده از یک میلیون دلار تصویبی را بدون کسب مجوز داشته باشد

رسانند. ولی نیکوزیا در پاسخ اذعان داشت که اینتلجنت سرویس هم به اندازه ما از ضعیف بودن برادران رشیدی آگاه است ولی مهمترین موضوع و نقطه قابل توجه در انتخاب آنان را می‌توان به تمایل برادران رشیدی به هزینه کردن موقعیت و زندگی‌شان در مسیری که علیه مصدق باشد مربوط دانست. برادران رشیدی در روزهای سرنوشت ساز آگوست ۱۹۵۳ م چنین تمایلی را از خود بروز دادند. دکتر ویلبر نیز بعد از اینتلجنت سرویس به افشای هویت ماموران سیا اقدام کرد. قبل از سفر ویلبر به نیکوزیا جلسه‌ای در مقر فرماندهی تشکیل شد تا مشخص گردد کدامیک از ماموران و عوامل سیا در تهران باید توسط ویلبر به اینتلجنت سرویس معرفی شوند تا با عوامل آن همکاری نمایند. در این جلسه موافقت شد که اسامی عوامل اصلی پایگاه سیا در تهران یعنی جلیلی و کیوانی فاش نشود. ولی هنگامیکه اینتلجنت سرویس در جلسه نوامبر ۱۹۵۲ م از وجود دو عامل عمده سیا در ایران (جلیلی و کیوانی) مطلع گردید، لازم بود که دو نفر دیگر به جای آنها معرفی شوند که این کار نیز صورت گرفت. تا آنجا که ما اطلاع داشتیم، هویت جلیلی و کیوانی برای برادران رشیدی و عوامل اینتلجنت سرویس مشخص و فاش نشده بود. ادامه مذاکرات نیکوزیا منجر به درخواست اطلاعاتی از پایگاه سیا در تهران گردید که در تهیه پیش نویس طرح عملیات بسیار مفید بود. رفته رفته بحثها و

مذاکرات بر روی مجموعه‌ای از فرضیات مهم متمرکز گردید که نهایتا در پیش نویس و شکل نهایی طرح نیز مورد تاکید واقع شدند. همچنین تصمیم براین گرفته شد که جزئیات طرح عملیات در چهارچوب فرضیات زیر قرار گیرد: ۱- زاهدی به عنوان تنها گزینه دارای شجاعت و استواری لازم است که ارزش حمایت دارد. ۲- پای شاه نیز باید به عملیات کشیده شود. ۳- شاه با بی میلی وارد گردونه خواهد شد ولی باید او را مجبور به این کار کرد. ۴- اگر جریان عملیات برملا شود قوای نظامی به حمایت از شاه بخواهند خواست نه مصدق ۵- در صورت امگن، عملیات علیه مصدق باید رنگ و لعابی قانونی و یا شبه قانونی پیدا کند نه کودتایی غیر قانونی ۶- پیش از شروع عملیات افکار عمومی باید آمادگی و رغبت جهت انجام کودتا را پیدا کند ۷- جنبه نظامی عملیات زمانی می‌تواند موفقیت آمیز باشد که پایگاه سیا بتواند برنامه عملیات را با ایرانیانی که توسط زاهدی برای اجرای کودتا انتخاب می‌شوند در میان بگذارد ۸- دولت جدیدی که احتمالا پس از موفقیت عملیات بر روی کار می‌آید باید تمهیدات لازم برای مقابله با واکنش منفی و قوی حزب توده را بیاندیشد. برخی از این فرضیات قبل از اینکه پیش نویس طرح کودتا کامل شود برای مرکز فرماندهی سیا در واشنگتن و تهران ارسال شد. پاسخ تهران و واشنگتن چندان مساعد با ایده‌های طراحان عملیات نبود، پایگاه تهران احساس خود را

مبنی بر اینکه شاه اقدام قاطعانه‌ای علیه مصدق انجام نخواهد داد منتقل می‌کرد. فرماندهی سیا در واشنگتن نگرانی خود را اینگونه مطرح کرد که چرا نباید از افراد دیگری نیز در این عملیات حمایت کرد و یا اینکه ایرانیان چرا خودشان در عملیات سرنگونی دولت مصدق مشارکت ندارند. با این وجود در این مورد که پایگاه تهران باید در ابتدا سیاست جدید خود مبنی بر مورد تهاجم قرار دادن دولت مصدق را از طریق مطبوعات شروع کند، توافق وجود داشت. پایگاه سیا در تهران در این راستا اقدام به اعلام سیاست فوق به عوامل خویش و نیز سپس به برادران رشیدی که عوامل اینتلجنت سرویس بودند نمود. پایگاه سیا در تهران دارای یک گروه هنری بود که مامور شدند مقادیر قابل توجهی کاریکاتور علیه مصدق آماده کنند. ملاقات با عوامل دست اندرکار عملیات در نیکوزیا برای چند روز قطع شد زیرا یکی از برادران رشیدی علیرغم غیرممکن بودن خروج از ایران در دوران مصدق، اجاز خروج دریافت کرد و به ژنو رفت. او در آنجا ملاقاتی با نورمن داری شایر افسر اینتلجنت سرویس داشت. رشیدی در این ملاقات نه تنها داری شایر را نسبت به وضع موجود آگاه کرد بلکه به چند سوال مهم و اساسی وی نیز پاسخی کامل و مفیدی ارائه داد. لازم به ذکر است که اینتلجنت سرویس توسط ماموران کارآزموده خود در طول هفته از طریق بی سیم با برادران رشیدی در تماس بود. اینگونه تماسها که لزوماً به زبان فارسی صورت می‌گرفت به طور طبیعی دارای محدودیتهایی نیز بود. در ادامه هنگامیکه ما به آقای داری شایر پس از بازگشت از ژنو اطلاع دادیم که ارتش ایران می‌تواند پیامهای بی‌سیم را شنود کند، این نوع تماسها محدودتر نیز شد. آقای جرج کارول که اخیراً به معاونت اطلاعات خارجی پایگاه سیا در تهران منصوب شده بود در ۲۹ می وارد نیکوزیا شد تا نقطه نظرات مرکز را در مورد پیش نویس طرح اعلام نماید. جالب است بدانیم که رشیدی اجازه ورود و خروج از ایران را از وزیر امور خارجه مصدق یعنی حسین فاطمی دریافت کرده بود و این مقام دیدگاه سیا در مورد حسین فاطمی بود که وی نسبت به انگلیسیها روی خوش نشان می‌داد و از سوی دیگر می‌دانست که برادران رشیدی با انگلیسیها ارتباط داشته و از جمله عوامل آنها در تهران به شمار می‌آیند. حسین فاطمی در نظر داشت در صورت سقوط مصدق دستش به جایی بند باشد. [۱] همانگونه که پیشتر ذکر شد، پیش نویس طرح عملیات کودتا در اول ژوئن ۱۹۵۳ م به مقر فرماندهی سیا در واشنگتن مخابره گردید. اگرچه نیکوزیا به عنوان نقطه خوبی برای تماس با بریتانیا محسوب می‌شد و بخش ارتباطات بسیار کارآمدی داشت ولی در کنار این مزایا، دارای نقاط ضعفی نیز بود. اول اینکه از مراکز فرماندهی در بریتانیا و واشنگتن فاصله زیادی داشت و بدتر اینکه پرونده‌های موجود در پایگاه اینتلجنت سرویس نیکوزیا بسیار ناقص و ناکافی بودند. به همین دلیل برای به دست آوردن اطلاعات در مورد شخصیت‌های ایران به ویژه نظامیان باید متوسل به پایگاه تهران و یا مراکز فرماندهی می‌شدیم. همزمان با مخابره کردن پیش نویس طرح براندازی مصدق، قرار شد رونوشت طرح برای لندن نیز ارسال شود تا نقطه نظرات مرکز فرماندهی اینتلجنت

سرویس تا پیش از پانزدهم ژوئن مشخص گردد. از سوی دیگر قرار شد سازمان سیا هدایت بررسی دقیقتری در مورد طرح را در بیروت به عهده گرفته و سپس نتایج به دست آمده با نقطه نظرات اینتلجنت سرویس در لندن جمع‌بندی شود. کارول چند روز پس از تکمیل طرح همچنان در نیکوزیا ماند تا کار بروی جنبه‌های نظامی عملیات را آغاز کند. او همچنین چند روز پس از پایان یافتن جلسات و مذاکرات بیروت به نیکوزیا برگشت تا موضوع را بیشتر مورد بررسی قرار دهد. لازم به ذکر است که خاتم هان مورگان نماینده سیا در نیکوزیه در این روزها حمایت و پشتیبانی خوبی از کارکنان سیا که در نیکوزیا کار می‌کردند به عمل می‌آورد.

تصویب طرح عملیات

در بعد از ظهر روز نهم ژوئن، تمام کسانی که باید در مذاکرات بیروت شرکت می‌جستند به این شهر وارد شدند. آقای کریمت روزولت رئیس NEA و رئیس پروژه در طول عملیات، از لندن با هواپیما وارد بیروت شد. کارول نیز از قبرس با هواپیما و روجر گویران رئیس پایگاه سیا در تهران با اتومبیل از طریق دمشق آمدند و ویلبر نیز از قاهره با هواپیما وارد بیروت شد. صبح روز دهم ژوئن مذاکرات آغاز و چهار روز به طول انجامید. برنامه روزانه عبارت بود از آغاز بحث در اولین ساعات روز و ادامه یافتن تا ساعت ۲ بعداز ظهر و سپس گفتگوها تا پایان بعد از ظهر تا دوام می‌یافت. اولین دستور کار این بود که تمام عوامل و عناصر صحنه سیاسی ایران را با توجه به اطلاعات جدید و جامع رئیس پایگاه سیا در تهران مورد بازبینی و بحث مجدد قرار دهیم. بعد از اینکه اصول کلی پیش نویس طرح عملیات مورد توافق همه قرار گرفت، توجه جلسه معطوف بر جزئیات طرح شد. هدف تمامی جلسات این بود که معین کنیم چگونه هر بخش از طرح دارای ساختاری موثر و کارآمد شود. در پیش نویس طرح مقرر شده بود که تدابیر خنثی سازی معینی باید علیه برخی از حامیان اصلی و برجسته مصدق نظیر قبایل قشقایی تشکیل شود. ولی سرانجام تصمیم بر این گرفته شد که تمام تلاشها باید بر بالا بردن میزان کارایی نیروهای مخالف مصدق متمرکز گردد. فرض بر این بود که حامیان مصدق هنگامیکه رهبر خود را خارج از صحنه و گردونه قدرت ببینند، حاضر به نشان دادن واکنش نخواهند گردید. رئیس پایگاه سیا در تهران پیشنهاد داد که یک طرح جایگزین دیگر نیز برای براندازی مصدق در نظر گرفته شود. این طرح در کنار طرح تی. پی. اژاکس به عنوان طرح آمینی- قشقایی شناخته می‌شد که پایگاه سیا در تهران آن را از دستور کار خود خارج نکرده بود تا اینکه طرح تی. پی. اژاکس به موفقیت خود برسد. بعداز ظهر روز شنبه گروه آخرین جلسه خود را تشکیل داد و صبح بعد یعنی چهاردهم ژوئن هر کدام با هواپیما به مقاصد خود رهسپار شدند. روزولت و ویلبر در روز پانزدهم ژوئن وارد لندن شدند و گزارش خود را به اداره اصلی اینتلجنت سرویس واقع در خیابان برادوی ساختمان ۵۴ ارائه دادند. آنها تجدید نظر جلسات بیروت در طرح را اعلام کردند. اما باید دانست هیچ رونوشتی از طرح اولیه بیروت وجود ندارد زیرا طرح مذکور در لندن مجدداً مورد بررسی قرار گرفت و نسخه دیگری از آن تهیه شد. برای

بررسی طرح بیروت، جلسه‌ای در اطاق کنفرانس ساختمان ۵۴ برادوی تشکیل شد که برخی مقامات مسول در اینتلجنت سرویس در آن حضور داشتند. از ابتدای جلسه معلوم بود که اینتلجنت سرویس نقطه نظر عمده و جدیدی در مورد پیش نویس طرح ندارد. همانگونه که در نیکوزیا نیز مشخص شده بود، آنها به امریکاییها اجازه هر کاری که تمایل داشته باشند را داده بودند. به نظر می‌رسید که بریتانیا تنها به طرح و نتیجه موفقیت آمیز آن اکتفا دارند. آنها همچنین اعلام کردند به برادران رشیدی دستور داده شده که از فرامین پایگاه سیا در تهران به طور کامل اطاعت نمایند. ماموران عالی‌رتبه اینتلجنت سرویس در پایان مذاکرات گفتند که مدت زمانی طول می‌کشد تا نظر قطعی دولت خود مبنی بر تایید یا عدم تایید پیش نویس طرح براندازی مصدق را به دست آورند. روزولت و ویلبر ۱۷ ژوئن لندن را ترک کردند و ظهر هیجدهم ژوئن در دفتر کار خود حاضر شدند. آنها فوراً پیش نویس طرح را مجدداً ساختار بندی و تایپ کردند.

آغاز عملیات

به دلیل آنکه جلسات تشکیل شده در بیروت و لندن زیاد طول کشید و فاصله زمانی بین عزیمت روزولت به بیروت و لندن و سپس مراجعتش به واشنگتن طولانی نبود، مرکز فرماندهی سیا نتوانست کار چندان زیادی انجام دهد. با این وجود پیشرفت خوبی در برقراری ارتباط خاص و نزدیک با وزارت امور خارجه (امریکا) حاصل گردید. این واقعیت که یک برنامه عملیاتی آماده شده است، تقریباً برای تعداد بسیار محدودی از مقامات وزارت خارجه آشکار شده بود. البته باید خاطرنشان ساخت که تا زمان انجام کودتا، چتر امنیتی بسیار خوبی بروی برنامه توسط سیا افکنده شده بود. در ادامه، بخش ایران، یونان و ترکیه در وزارت امور خارجه نقطه نظرات خود را در دو صفحه اعلام کردند. صفحه اول با طبقه بندی فوق سری تحت عنوان «پیشنهادی برای تغییر حکومت ایران» به تاریخ ششم ژوئن و صفحه دوم نیز با طبقه بندی فوق سری و بدون تاریخ تحت عنوان «اقداماتی که دولت ایالات متحده باید در جهت حمایت دولت جانشین مصدق انجام دهد» را در بر می‌گرفت. مسلم بود که مقامات وزارت خارجه حق اتخاذ تصمیمات سطح بالا در مورد طرح را ندارند. البته وزارت خارجه از ما خواست قبل از پذیرش و تصویب طرح، از دولت بریتانیا این تضمین را بگیریم که پس از روی کار آمدن دولت جدید پس از سقوط مصدق، انگلستان نسبت به موضوع نفت از خود انعطاف بیشتری نشان دهد. تضمین درخواست وزارت خارجه از سوی آقای هربرت میشل که یکی از مقامات سفارت بریتانیا در تهران و نیز نماینده اینتلجنت سرویس در سفارت به شمار می‌آمد، داده شد. این تضمین در شکل یک یادداشت غیررسمی توسط سفیر بریتانیا در امریکا در مورخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۳ م به وزارت خارجه ایالات متحده تسلیم شد. وزارت خارجه همچنین قصد داشت پیش از تصویب شروع عملیات متقاعد شود که مقادیر کافی و متناسبی از کمکهای اقتصادی در اختیار دولت جانشین مصدق قرار خواهد گرفت.

ادامه دارد